

باسمہ تعالیٰ



کاربرگ طرحنامه پژوهشی

(Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی‌کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می‌داند.

عنوان طرح: فوتبال، تغییر اجتماعی و سیاست فرهنگی در ایران

ارائه‌دهنده: دکتر محمد روزخوش

خلاصه طرح: فوتبال نه فقط به خاطر انبوه مخاطبان، بلکه همچنین به سبب درهم تنیدگی با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی یکی از پدیده‌های مهمی است که به میاجی آن می‌توان تغییر فرهنگی و اجتماعی و تحول در «فرهنگ عمومی» را مطالعه و تحلیل کرد. این پژوهش می‌کوشد با مطالعه فوتبال به منزله یک میدان اجتماعی: اول، تحلیلی از سویه‌های فرهنگی و اجتماعی فوتبال در ایران به دست دهد؛ دوم، نسبت آن با تغییر فرهنگی و اجتماعی کلان جامعه و نیز سیاست‌های فرهنگی کلان کشور را بسنجد؛ و سوم، درباره کارکردهای فوتبال در هژمونیک‌شدن ارزش‌ها و الگوهای معینی در عرصه عمومی تحقیق کند. نتایج این پژوهش می‌تواند فراتر از کلی‌گویی‌های مرسوم، شناختی مبتنی بر جزئیات از تغییر فرهنگی / اجتماعی در ایران و بدین واسطه تحلیلی جامعه‌شناختی از سیاست فرهنگی ملازم با آن به دست دهد. این مطالعه به لحاظ زمانی سه دهه نخست پس از انقلاب را دربرمی‌گیرد.

تاریخ ارائه: مدت اجرا: یک سال بودجه پیشنهادی:

ویرایش اول: ☐ دوم: ☐ سوم*: ☐ چهارم: ☐

پژوهشکده: گروه پژوهشی:

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری) دو اولویت: «فرهنگ عمومی» و «فرهنگ ایران».

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

* نوع پژوهش: بنیادی* ☐ کاربردی* ☐ توسعه‌ای ☐

* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می‌گیرد. پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می‌شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد. پژوهش توسعه‌ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش‌ها و مکانیزم‌ها و محصولات منجر می‌شود.

۱. مشخصات مجری یا مدیر طرح:

نام و نام خانوادگی: نام پدر: شماره شناسنامه: محل تولد:

محل صدور: سال تولد: روز ماه سال آخرین مدرک تحصیلی (دانشگاهی/حوزوی):

..... رتبه علمی (دانشگاهی / حوزوی): پایه استخدامی:

کد ملی:

نشانی محل کار: کد پستی:

نشانی منزل: کد پستی:

تلفن منزل: تلفن محل کار: تلفن همراه: نمابر:

آدرس پست الکترونیک:

سوابق تحصیلی از لیسانس به بعد:

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	محل تحصیل	نام کشور	سال اخذ مدرک
۱					
۲					
۳					
۴					

سوابق شغلی و تجربی (به ترتیب از حال حاضر به قبل):

ردیف	محل کار	سمت	مدت	شهر-کشور
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				

طرح‌های تحقیقاتی انجام داده و یا در حال اجرا:

ردیف	پروژه	محل اجرا	سال اجرا	وضعیت	نوع همکاری	مبلغ
۱						
۲						
۳						
۴						
۵						
۶						
۷						
۸						
۹						
۱۰						

دیگر فعالیت‌های پژوهشی (کتاب، مقاله و ...):

ردیف	عنوان فعالیت پژوهشی	محل	ناشر	سال
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				

۲. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق):

روزنامه مشهور گاردین در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۷ مقاله‌ای با این عنوان منتشر کرد: «می‌خواهید از سیاست در ۲۵ سال اخیر سر درآورید؟ به فوتبال نگاه کنید». عنوان این مقاله - حتی اگر قدری اغراق‌آمیز باشد - از جایگاه و نقش فوتبال در جهان معاصر حکایت می‌کند. فوتبال در زمره جذاب‌ترین پدیده‌های زمانه ما قرار دارد، چنانکه امروز کمتر کشوری را می‌توان یافت که از افسون فوتبال رها باشد. دیگر روشن است که فوتبال صرفاً رقابتی ورزشی نیست و پدیداری فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. ورزشی که «بیش از یک ورزش» به شمار می‌آید و پیوندهای محکمی با روندهای اقتصادی - اجتماعی غالب در جهان ما دارد. همین پیوندهاست که به فوتبال ابعاد فرهنگی و اجتماعی عظیم و بی‌سابقه‌ای بخشیده است و باز همین پیوندهاست که آن را به موضوعی شایان تأمل، و البته نقد، برای نظریه‌پردازان اجتماعی و انتقادی بدل ساخته است؛ به‌ویژه آنکه منتقدان، ورزش حرفه‌ای را در سیمای کنونی آن بازتابنده و بازتولیدکننده الگوی اجتماعی - اقتصادی «نامطلوب» حاکم بر جهان در چند دهه اخیر می‌دانند.

اما ماجرا به این ختم نمی‌شود که فوتبال الگوهای فرهنگی / اجتماعی مسلط را بازتولید می‌کند، بلکه فراتر از آن برخی نویسندگان برای ورزش‌های جهانی مانند فوتبال نقش پیشگامی و سرعت‌بخشی به جهانی‌شدن قائل هستند و ورزش را اسب تروای نفوذ جهانی‌شدن و ارزش‌ها و هنجارهای همبسته با آن به گوشه و کنار جهان به شمار می‌آورند.

کشور ما نیز نه فقط خارج از این قاعده قرار نمی‌گیرد، بلکه شاید یکی از نمونه‌های جالب توجه نیز به شمار آید. به‌عنوان یک نمونه ساده می‌توان به تجمع‌های اعتراضی قشرهای مختلف مردم در چند سال اخیر اشاره کرد؛ جایی که معترضان در بیان مطالبات خود از «شعارهای استادیومی» الهام می‌گیرند؛ گویا فوتبال چنان به زندگی روزمره و «فرهنگ عمومی» راه یافته که حتی بر شیوه بیان خواست‌ها و مطالبات اجتماعی نیز اثر گذاشته است.

اما در ایران، به لحاظ نظری نیز فوتبال در قامت یک «مسأله فرهنگی» تلقی شده است. گرایشی مهارناپذیر در میان نویسندگان محققان ایرانی می‌کوشد تا پیروزی‌ها و شکست‌های فوتبالی را به خصلت‌هایی در فرهنگ و جامعه ما منتسب سازد. یک نمونه پر سر و صدا پس از شکست تیم ملی ایران در برابر ژاپن در آخرین دوره جام ملت‌های آسیا (۱۳۹۷) رخ داد. رفتار بازیکنان در درون زمین فوتبال دستمایه محققان و متفکران ایرانی قرار گرفت تا «لایه‌های عمیقی از فرهنگ ما» را از آن استخراج کنند. یکی از استادان به نام رشته جامعه‌شناسی در سرمقاله روزنامه همشهری، شکست

تیم ملی و «حرف و حدیث‌های پیش از بازی یادشده و پس از آن و رفتارهای ناشایسته شماری از تماشاچیان در بازی- های لیگ فوتبال کشور»^۱ را «شاخصی کوچک» بر زوال اخلاق فردی و جمعی توامان معرفی می‌کرد،^۲ اما استاد جامعه‌شناس به استخراج نتایج تحلیلی بزرگ از همین «شاخص کوچک» دست یازیده بود. یادداشت پیران با اشاره به شکست تیم ملی و «رفتارهای ناشایست تماشاگران» در فوتبال باشگاهی آغاز و به مفاهیم «آنومی پایدار» و مدرنیته ایرانی ختم می‌شود. لزوم بازگشت به «عرفان ایرانی» (البته به گفته ایشان «عرفان پویا و نه ایستا») راه‌حل مشخص نویسنده مقاله است.

اما محققان اجتماعی چگونه از اشتباه مدافعان تیم ملی به تحلیل ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و خصایص تاریخی ایرانیان عروج می‌کنند؟ پاسخ این است: به سادگی. حال آنکه چنین سنجی از تحلیل به میانجی‌های مفهومی و تحلیلی معینی نیازمند است که معمولاً از نوشته‌ها و تحلیل‌های این محققان اجتماعی غایب است. اگر قرار باشد بر مبنای این یا آن لحظه مسابقات فوتبال بتوان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تحلیل کرد، هر تورنمنت فوتبال باید مبداء بازاندیشی در جامعه‌شناسی تاریخی و روانشناسی اجتماعی اقوام و ملت‌ها قرار گیرد!

بنابراین در هر دو سطح نظری و انضمامی فوتبال در ایران «مساله‌ای» است که به راستی سزاوار مطالعه و تحلیل است. سویه‌های فرهنگی و اجتماعی فوتبال در ایران و پیوندهای آن با اقتصاد سیاسی کشور، اکنون بیش از هر زمانی هویدا شده است. کارکردهای فوتبال در برساخت هویت ملی و در تقویت یا تضعیف همبستگی اجتماعی و کارکرد فوتبال در بازنمایی کلی جامعه از جمله موضوعات مهمی به شمار می‌روند که در ایران هم مساله‌ساز شده‌اند. مثلاً مطابق نظریه‌های رایج «ورزش [به منزله بخشی از سازوبرگ‌های فرهنگی (و ایدئولوژیک) دولت] در ملّی‌گرایی نقش اول را دارد» (آلتوسر، ۱۳۸۸: ۴۸)، اما این پرسش مطرح می‌شود که با وجود تنش‌ها و تعارض‌های گسترده میان تماشاگران و هواداران تیم‌های فوتبال در ایران - که مطمئناً از «کری‌خوانی» مرسوم فوتبالی بسی فراتر رفته است - آیا فوتبال در کلیتش مایه همبستگی است یا زمینه‌ساز شکاف اجتماعی؟ یا اساساً امروز از این حیث اهمیت چندانی ندارد؟

بدین ترتیب، مطالعه ورزش‌های توده‌ای که فوتبال مهم‌ترین مصداق آن است می‌تواند سویه‌های متنوعی از تحول فرهنگی در جامعه ایرانی را برملا سازد و بر روندها و محتواهای تحول فرهنگی / اجتماعی نور افکند و تناقض‌ها و

^۱ عبارات داخل گیومه نقل قول از نوشته یادشده است.

^۲ پرویز پیران، اشاره‌ای به معضل اخلاق فردی و جمعی در فوتبال، روزنامه همشهری ۱۳ بهمن ۱۳۹۷.

تنش‌ها را نمایان کند. اما در عین حال، نمی‌توان بی‌واسطه میان فوتبال و عرصه‌های دیگر تناظر یک به یک برقرار ساخت.^۳ مسأله اساسی این پژوهش این است که در چشم‌اندازی تاریخی پیوند میان فوتبال با سایر عرصه‌های حیات اجتماعی در ایران چگونه بوده است؟ فوتبال هم بازنمای تحول در «فرهنگ عمومی» در ایران بوده است و هم از برخی جنبه‌ها در این تحول نقشی و سهمی بر عهده داشته است. از آنجا که فوتبال به روی پدیده‌هایی مانند جهانی شدن و مصرف رسانه‌ای و ارزش‌های فرهنگیِ نوظهور گشوده‌تر از بسیاری حوزه‌های دیگر است و برخی روندهای کلان اقتصادی / اجتماعی را هم سریع‌تر بازتاب می‌دهد مطالعه فوتبال می‌تواند دریچه‌ای به فهم تغییر فرهنگی / اجتماعی در ایران بگشاید. چه بسا از این حیث، فوتبال در قیاس با بسیاری پدیده‌ها یا حوزه‌های پژوهشی انتخاب مناسب‌تری باشد. پیامدهای فوتبال در حوزه اخلاق اجتماعی مسأله‌ای است که باید به آن توجه نشان داد. مثلاً ایمازی که فوتبال از ثروت، موفقیت و شهرت خلق می‌کند می‌تواند در تغییر و زوال استانداردهای اخلاق جمعی موثر باشد. شناخت دینامیسم تغییر اجتماعی در ایران و زمینه‌های موثر بر آن و روندهای مسلط در آن جز به میانجی مطالعه سپهرهای مختلف ممکن نیست؛ و فوتبال از دید ما یکی از این سپهرها است؛ و چه بسا یکی از جالب‌ترین و مهم‌ترین‌ها.

در عین حال فوتبال از جمله عرصه‌هایی است که می‌تواند زمینه‌ای کم‌نظیر برای شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور فراهم آورد. نه صرفاً به این دلیل که همواره نوعی سیاست فرهنگی یا غیررسمی در عرصه ورزش وجود داشته است؛ بلکه همچنین از این رو که از همان آغاز انقلاب ورزش در کنار موسیقی، سینما، هنرهای تجسمی و تکنولوژی مدرن در زمره پدیده‌هایی جای داشت که حتی نفس وجودشان مسأله‌ساز بود و بنا بر این بود که بر مبنای ارزش‌هایی یکسره نو و معیارهایی به‌تمامی تازه بازسازی شوند. بنابراین آنچه در این سپهر گذشته است می‌تواند نشان دهد که آنچه «فرهنگ‌سازی» یا کوشش در جهت «ارتقای فرهنگ عمومی» نامیده می‌شود در عمل و در متن واقعی جامعه چگونه تبلور یافته است.

اما چرا مطالعه فوتبال در درک سویه‌های مسأله‌آمیز سیاست کلان فرهنگی در ایران اهمیت دارد؟ چنانکه در بیشتر منابع تکرار شده است، در کلان‌ترین سطح تحلیل، ورزش مدرن با نوعی سیاست اجتماعی و سیاست فرهنگی ملازم بوده است: ملت‌سازی، کنترل اجتماعی، انتظام‌بخشی به جمعیت، حکومت‌مندی، تربیت بدن‌ها و ذهن‌ها و تبلیغ گفتمان‌های سیاسی و جز آن (Miller, 2003: 199-201). از منظری انتقادی، در دوره اخیر فوتبال با فرایندهایی مانند جهانی‌شدن، مصرف‌گرایی، فردگرایی، کالایی‌شدن و نئولیبرالیزه‌شدن سپهرهای مختلف حیات اجتماعی و حتی عرفی شدن

^۳ نمونه‌ای از چنین آثاری در سطح جهانی، کتاب مشهور: «چگونه فوتبال جهان را توضیح می‌دهد» اثر فرانکلین فوئر در ژانر پرمخاطب «ژورنالیسم اجتماعی» است که فصلی از آن هم به ایران اختصاص یافته است (Foer, 2004).

در آمیخته و فعالانه در بازتولید آنها مشارکت کرده است. اما تا آنجا که به ایران مرتبط می‌شود، ارزش‌هایی که فوتبال بیانگر و بازتولیدکننده آنهاست همان ارزش‌هایی نیستند که فرهنگ رسمی در کشور ما در پی ترویج و تقویت آنها است. بدین قرار، به‌رغم شباهت‌های مشهود میان روندهای اقتصادی - اجتماعی جاری در ایران با روندهای جهانی، یک نکته را در تحلیل سیاست فرهنگی نباید فروگذارد: ایدئولوژی مشروعیت‌بخش و فرهنگ رسمی در کشور ما همچنان بر گفتارهای ضد غربی و ضد لیبرالی استوار است. ورزش‌های حرفه‌ای و به‌ویژه فوتبال به مثابه پدیده‌هایی اجتماعی و فرهنگی، واجد الزامات، پیامدها و دلالت‌های فرهنگی‌ای هستند که دستکم در ظاهر با این گفتارها سازگار نیستند. فوتبال میدانی کم‌نظیر برای مطالعه تغییر فرهنگی / اجتماعی است و درست به همین دلیل عرصه‌ای مناسب برای تحلیل سیاست فرهنگی متناظر با آن نیز تواند بود. بنابراین، پژوهش درباره فوتبال در تحلیل جامعه‌شناختی سیاست‌های فرهنگی کلان کشور گره‌گشا خواهد بود.

پرسش‌های کانونی تحقیق:

فوتبال به مثابه «میدان اجتماعی» چگونه در روند تغییر فرهنگی / اجتماعی در ایران پس از انقلاب مشارکت کرده است؟ میدان فوتبال (از جمله گفت‌وگوها و ارزش‌های مسلط در آن) با چه نوع سیاست فرهنگی متناظر بوده است؟ این وضعیت، چه نسبتی با سیاست‌های فرهنگی رسمی برقرار کرده است؟

و نیز به شکل جزئی‌تر:

تغییرات کلان اجتماعی (اقتصادی / فرهنگی / سیاسی) چگونه در عرصه فوتبال بازتاب یافته است؟ و متقابلاً فوتبال چگونه بر این روندها اثر گذاشته است؟

«میدان فوتبال» و روندهای مسلط بر آن در سه دهه مورد بررسی (۶۰ و ۷۰ و تاحدی ۸۰ شمسی) چه تغییراتی به خود دیده است؟

عمده‌ترین مناسبات و مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای شکل‌دهنده به میدان فوتبال در این سه دهه کدامند؟

آیا فوتبال در بسط گفت‌وگوهای معین (مثلاً نئولیبرالیسم) در جامعه ایرانی سهمی داشته است؟ اگر آری؛ چگونه و تحت چه مکانیسم‌هایی؟

۳. اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق:

امروز بسیاری از محققان دریافته‌اند که زمان کلی گویی سرآمده و دیگر نمی‌توان تحت مقولات عام «تغییر فرهنگی»، «فرهنگ سازی»، سیاست فرهنگی یا سیاست اجتماعی سخن گفت، بلکه باید این مقولات کلی را در سپهرهای معین حیات اجتماعی در بوتۀ پژوهش و تحلیل قرار داد. ارزیابی اجتماعی یا جامعه‌شناختی سیاست‌های فرهنگی در دهه‌های گذشته صرفاً با مطالعه تجربی در هر کدام از این عرصه‌ها ممکن می‌شود. چه بسا فوتبال به دلیل انبوه مخاطبان و انعکاس بلاواسطه‌تر تغییرات در قیاس با عرصه‌های دیگر امکان بیشتری برای تحلیل سیاست‌های فرهنگی کلان کشور فراهم آورد.

چنانکه گفته شد اهمیت تحقیق در دو نکته خود را نشان می‌دهد. اول، شناخت فوتبال به مثابه مقوله‌ای فرهنگی / اجتماعی که در ایران همچون بسیاری کشورهای دیگر از موقعیت متمایز و ممتازی برخوردار است. دوم، مطالعه فوتبال به منزله امکانی برای فهم فرهنگ عمومی / تغییر فرهنگی در جامعه ایران.

در کشورهایی که فوتبال مخاطب و اهمیتی هم‌سان با کشور ما دارد صدها پژوهش درباره سویه‌های فرهنگی و اجتماعی فوتبال انجام شده است؛ حال آنکه ما از این حیث هنوز در نقطه آغاز قرار داریم.

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل تحول فرهنگی در جامعه ایران به میانجی تحلیل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با فوتبال و روایت «تاریخ اجتماعی فوتبال در ایران» است. از این نظرگاه، این پژوهش به اهداف زیر چشم دوخته است:

مطالعه تحولات «فرهنگ عمومی» در ایران به میانجی مطالعه فوتبال

شناخت مبتنی بر جزئیات از روندهای اصلی تغییر فرهنگی / اجتماعی در ایران به میانجی مطالعه «میدان اجتماعی فوتبال»

بازنمایی سویه‌های متنوع رابطه «فوتبال و جامعه» در بافتار خاص ایران

ممکن است این پرسش مطرح شود، حال که در جامعه ما سخن درباره زوال همبستگی اجتماعی، افول سرمایه اجتماعی و حتی فروپاشی اجتماعی بر سر زبان‌ها است پژوهش درباره فوتبال اساساً چقدر می‌تواند مساله تلقی شود و چنین «مساله‌ای» چه اهمیتی دارد؟ یک پاسخ این است که همواره امر جزئی می‌تواند دریچه‌ای به شناخت امر کلی فراهم کند. شناخت فوتبال به عنوان جزئی از یک تمامیت اجتماعی ما را به شناخت این کلیت رهنمون می‌شود. پاسخ دوم این است که فوتبال عرصه‌ای است که به دلایل مختلف، میانجی مناسبی برای فهم تغییر فرهنگی / اجتماعی در ایران است. دینامیسم تغییر اجتماعی در ایران را صرفاً با مطالعات انضمامی در ساحت‌های مختلف از جمله ورزش می‌توان بازشناخت.

۳. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر):

در ایران، نوشته‌ها و پژوهش‌های موجود درباره ورزش و از جمله فوتبال، بیشتر جنبه‌های غیراجتماعی، مثلاً فیزیولوژیک یا روان‌شناختی، فعالیت‌های ورزشی را کانون توجه قرار داداند. در حیطه جامعه‌شناسی ورزش، بیشترین توجه به «مسئله» خشونت و آشوبگری در استادیوم‌های فوتبال معطوف بوده است (برای چند نمونه ن.ک: رحمتی، ۱۳۸۲؛ صفابخش، ۱۳۸۵؛ و چند مقاله در شماره ۱۹ نشریه نامه علوم اجتماعی)، هرچند که خشونت و پرخاشگری در ورزشگاه‌ها نیز عمدتاً در قالب کلی‌تر «آسیب‌های اجتماعی» و در ردیف پدیده‌هایی مانند وندالیسم و بزهکاری و جرم طرح شده است و نه به منزله پژوهش در حیطه جامعه‌شناسی ورزش. مضامین، داده‌ها و نتایج «پژوهش‌های آکادمیک» عمدتاً دور از فضای تحلیلی نوشته حاضر هستند؛ تزهای دکتری با موضوع فوتبال نیز از موضوع این پژوهش کاملاً فاصله دارند و عمدتاً دلمشغول مسائل متفاوتی بوده‌اند، مثلاً: «الگوی تصمیم‌گیری اخلاقی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران» (شجیع، ۱۳۹۲). مقاله مفصل «ناسازه‌های ورزش حرفه‌ای در ایران و دلالت‌های اجتماعی آن» که در جلد سوم گزارش وضعیت اجتماعی کشور منتشر شده است و فوتبال محور آن است تاحدی می‌تواند پیشینه این پژوهش تلقی شود (روزخوش، ۱۳۹۵). مقاله از جمله می‌کوشد ارتباط میان روندهای اصلی تحول در جامعه از جمله در سپهر اقتصاد با میدان ورزش را تحلیل و نقد کند. در پژوهش «بررسی انتقادی رابطه اقتصاد و فرهنگ در سپهرهای مختلف جامعه ایران»، فصلی هم به فوتبال اختصاص یافته است. مهم‌ترین مدعای این نوشته «نئولیبرالیزه‌شدن» فوتبال در ایران است. دو پژوهش اتنوگرافیک درباره تماشاگران استادیوم‌های فوتبال در تهران «آبشکار، ۱۳۹۷» و تبریز (ایزدی جیران، ۱۳۹۷) به سفارش پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات از محدود پژوهش‌های سال‌های اخیر درباره فوتبال است. «درآمدی جامعه‌شناختی بر ژورنالیسم ورزشی» متن دیگری است که پژوهشگاه در قالب گزارش منتشر کرده و حاوی تاریخچه‌ای مختصر از «ژورنالیسم ورزشی ایران» و اشاراتی به زمینه‌های اجتماعی برساننده آن است (هدایتی، ۱۳۹۹).

در غیاب پژوهش‌های گسترده و سازمان‌یافته در آکادمی، اشاره به نشریات غیرآکادمیک بی‌وجه نخواهد بود. دو پرونده درباره مسائل اجتماعی - فرهنگی فوتبال در شماره ۳۰-۳۱ نشریه آیین (شهریور ۱۳۸۹) و شماره ۴ مهرنامه (مرداد ۱۳۸۹) و ویژه‌نامه «ورزش و سیاست» فصلنامه گفتگو (شماره ۴۲، اسفند ۱۳۸۳) در این زمره‌اند. برخی نوشته‌های محمد مهدی رحمتی نیز از محدود تاملات جامعه‌شناختی درباره ورزش در ایران به شمار می‌آیند (از جمله: رحمتی، ۱۳۸۶).

دو مقاله پژوهشی هوشنگ شهابی: «تاریخ سیاسی فوتبال در ایران» و «سیاست فوتبال در ایران» از اندک نوشته‌های آکادمیک در حیطه تاریخ اجتماعی ورزش در ایران به شمار می‌آیند (Chehabi, 2002 and 2006). مقاله نخست هرچند حاوی روایتی گذرا از تاریخ فوتبال در ایران است اما از این نظر که از محدود نوشته‌های آکادمیک درباره

فوتبال در ایران است اثری قابل توجه به شمار می آید. در میان مقالات خارجی که موضوع آنها ورزش ایران است، می توان از مقاله بابک فزونی نیز یاد کرد (Fozooni, 2007). در این مقاله کشمکش های اجتماعی مرتبط با فوتبال، جلوه گر تحولات اجتماعی کلان و عمده در جامعه ایران از جمله تکوین دولت - ملت تلقی می شوند. در مجموع، حوزه پژوهش فرهنگی و اجتماعی درباره ورزش در ایران - برخلاف آکادمی غرب - بسیار نحیف باقی مانده و این به رغم پیچیدگی و تنوع مسائل این حوزه است.

در صورت نیاز ادامه بحث ضمیمه شود

۴. چهارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش:

عموماً، هر شرحی از خاستگاه‌های ورزش مدرن با تمایز میان بازی (Play) و ورزش (Sport) آغاز می‌شود؛ و با این پرسش که آیا ورزش مدرن با بازی‌های باستانی یا سنتی تفاوتی بنیادین دارد یا نسخهٔ تحوّل یافته و دگرگون شدهٔ همان بازی‌هاست. تقریباً، این فرضیه در همهٔ منابع پذیرفته و قطعی تلقی می‌شود که جایگزینی «ورزش» به جای «بازی»، در مدارس خصوصی طبقهٔ بورژوا در انگلستان سدهٔ نوزدهم رخ داد و پس از آن به مرور در سراسر جهان گسترش یافت. بسیاری مورّخان و جامعه‌شناسان، و در میانشان نوربرت الیاس و پی‌یر بوردیو، به واکاوی این تحوّل برخاسته و جایگاه، ساختار و ویژگی‌هایی به ورزش مدرن نسبت داده‌اند؛ به عنوان نمونه، گاتمن ویژگی‌هایی را برای ورزش مدرن برمی‌شمرد که در بیشتر متون جامعه‌شناسی ورزش مشابه آن را، با اضافه یا کم شدن یکی - دو مورد، می‌توان یافت: سکولاریسم (Secularism)، دموکراسی (Democracy) و برابری (Equality)، بروکراتیزه شدن (Bureaucratization)، تخصصی شدن (Specialization)، عقلانی شدن (Rationalization) و محاسبه پذیر شدن (Quantification) (رکوردها و جز آن) (Schirato, 2005: 24). چنان که پیداست، اینها عمدتاً همان مختصات است که در نظریهٔ اجتماعی معاصر برای جامعهٔ مدرن ترسیم می‌شود. در واقع، خصلت نهادی و شکل خاص پیوند آن با سایر نهادهای اجتماعی، همان ویژگی متمایزکنندهٔ ورزش مدرن در قیاس با بازی‌های پیشامدرن است. به عبارت دیگر، آنچه سرشت‌نمای ورزش مدرن است، ارتباط میان میدان (Field) ورزش با میدان اجتماعی - فرهنگی بزرگتر (به‌ویژه پیوند با عامل‌ها و نهادهای پر قدرتی همچون دولت، تجارت و رسانه) است (ibid: 11).

اما اگر این کلیات در گذریم، معمولاً از سه رویکرد کلی - و گاه چهار رویکرد - در علوم اجتماعی سخن گفته می‌شود: رویکرد انتقادی، رویکرد کارکردگرا و رویکرد کنش متقابل نمادین. این هر سه رویکرد در حوزهٔ مطالعات ورزش نیز بسط یافته‌اند. این پژوهش به رویکرد انتقادی در مطالعهٔ فرهنگی و اجتماعی ورزش نزدیک‌تر است. اما خود این رویکرد نیز واجد تنوع بسیار است و در نظر گرفتن آن به عنوان یک کل یکدست به معنای در غلتیدن به ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی است. اما اگر بخواهیم به چارچوب کلی این رویکرد در مطالعهٔ ورزش اشاره کنیم، کارکرد ورزش در بازتولید مناسبات سرمایه‌دارانه، نقش ورزش در ملت‌سازی و بسط ایده‌های ناسیونالیستی، سوئهٔ ایدئولوژیک ورزش و سهم آن در فرایند الیناسیون، سوءاستفادهٔ سیاست‌مداران از آن برای شکل‌دهی به افکار عمومی یا کسب محبوبیت، توان بالقوهٔ ورزش‌های توده‌ای برای انحراف اذهان عمومی از «مسائل اساسی جامعه» و پیوند ایدئولوژی‌های تجدیدطلبانه با ورزش مدرن در جرگهٔ دلالت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی هستند که به ورزش نسبت داده می‌شوند (نک به Giulianiotti, 2015 و McDonald, 2015). در دهه‌های اخیر دو مفهوم در رویکرد انتقادی دربارهٔ فوتبال برجسته شده است: اول صنعت فرهنگ و دوم نئولیبرالیسم. از دید بسیاری از محققان، فوتبال یکی از مهم‌ترین مصداق‌های صنعت فرهنگ در زمانهٔ ما است. صنعت فرهنگی که جمعیتی میلیاردی را در استادیوم‌ها یا پای تلویزیون‌ها میخکوب می‌کند و

از این طریق در بازتولید ارزش‌های مسلط سرمایه‌دارانه و تثبیت آن مشارکت می‌کند.

امادر سال‌های اخیر سهم فوتبال در بسط ارزش‌های نئولیبرال و به یک معنا در برساخت «ایماژ نئولیبرال» از جامعه و فرهنگ توجه روزافزون محققان را به خود جلب کرده است (Dubal, 2019 و Coakley, 2011 و کرامپتون، ۱۳۹۷: ۱۶). آنچه از دید این نویسندگان مهم می‌نماید نقش فوتبال در توسعه «فرهنگ نئولیبرال» است. از این نظرگاه، فوتبال با «ارزش‌های نئولیبرال» درآمیخته و عناصر و ارزش‌های این فرهنگ را همچون اموری بدیهی و به مثابه نوعی طبیعت ثانوی در ذهن و ضمیر مخاطبان حک می‌کند. به عنوان نمونه، در ایران هواداران فوتبال خصوصی‌سازی باشگاه‌ها را یگانه و بهترین گزینه اداره باشگاه‌ها می‌دانند، از دستمزدهای میلیاردی بازیکنان و مربیان فوتبال دفاع می‌کنند، الگوی سرمایه‌دارانه مدیریت فوتبال در جهان را بدیهی می‌شمارند، بر شایسته‌سالار بودن و نخبه‌گرا بودن فوتبال در جهان صحه می‌گذارند و...

چارچوب مفهومی این پژوهش بر چند ایده کلی استوار است. این پژوهش در مجموع فوتبال را در مقام امری خاص بخشی از کلیت اجتماعی تلقی می‌کند؛ امری جزئی که ویژگی‌های کل را بازتاب می‌دهد و از این حیث می‌تواند ما را به شناخت کل رهنمون شود. از این نظر، غوطه‌ور شدن در امر انضمامی (در این پژوهش فوتبال) و تضادها و تناقض‌هایش شیوه درست شناخت امر کلی (در این پژوهش تغییر اجتماعی / فرهنگی) است (آدورنو، ۱۴۰۰). علاوه بر این، از دید ما فوتبال پدیده‌ای ایدئولوژیک است و ارزش‌های مسلط زمانه را بازتاب می‌دهد. این ارزش‌های مسلط به تناسب زمان و مکان تنوع می‌پذیرند و به فراخور صورتبندی‌های اجتماعی و گفتارهای ایدئولوژیک مختلف بازتعریف می‌شوند. مثلاً در دوره‌ای کارکرد اصلی فوتبال در دولت‌سازی تبلور می‌یابد و در زمانی دیگر فوتبال در پیوند با مقتضیات جهانی شدن تغییر آرایش می‌یابد. از دید برخی محققان، در دوره اخیر فوتبال بیش از هر چیز با جهانی شدن و نولیبرالیسم پیوند یافته و سوژه ایدئولوژیک آن در بدیهی جلوه‌دادن ارزش‌های سرمایه‌داری متاخر و مشارکت در بسط آنها در پهنه جهانی است. این درست همان نکته‌ای است سیاست فرهنگی متناظر با فوتبال را در ایران به امری مساله‌آمیز بدل می‌کند.

اما این چارچوب مفهومی کلان به رغم الهام‌بخش بودن با این مشکل روبرو است که بر تنوعات چشم می‌بندد و ضمناً ابزار تحلیلی مشخصی عرضه نمی‌کند. با توجه به آنکه دهه‌های شصت و هفتاد و تاحدی هشتاد شمسی در کانون این پژوهش قرار دارند، رویکرد مفهومی / تحلیلی مناسب باید بتواند تفاوت‌های زمانه را لحاظ کند و پیوند فوتبال با فرهنگ و جامعه را به شکل انضمامی تحلیل کند. رویکرد بوردیو که خود در زمره «نظریه‌های انتقادی» قرار می‌گیرد از برخی جهات می‌تواند مفید باشد. در این رویکرد، ورزش به مثابه میدانی نیمه مستقل در نظر گرفته می‌شود. تلقی ورزش به مثابه یک «میدان» به معنای در نظر گرفتن قسمی استقلال و خودآیینی برای آن است؛ به این معناست که «تاریخ ورزش تاریخ نسبتاً مستقلی است که حتی وقتی با وقایع مهم تاریخی و اقتصادی و اجتماعی رقم بخورد، باز ضربه‌ها، قوانین

تکاملی، بحران و خلاصه سخن آنکه گاه شماری ویژه خود را داراست» (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۲۸). کنش‌ها و سرگرمی‌های ورزشی در نگاه بورديو عرضه‌ای است که در برابر یک تقاضای اجتماعی قرار دارد. مسئله کلیدی او این است که «در چه شرایط اجتماعی امکان دستیابی به محصولات ورزشی مختلف در حال تولید، چیزهایی مثل گلف‌بازی، خواندن مجله لوکیپ، اسکی روی چمن و یا تماشای مسابقات جام جهانی در تلویزیون فراهم می‌شود؟ به بیان دیگر، چگونه این تقاضای محصولات ورزشی تولید می‌شود؟ چگونه مردم به سلیقه‌ای ورزشی می‌رسند - حال چه در مقام فعالیت و چه در مقام چیزی تماشا می‌کنند - و ورزشی را بر ورزشی دیگر ترجیح می‌دهند؟» (همان: ۲۲۷). بورديو ورزش را یکی از میدان‌هایی به شمار می‌آورد که «فضای اجتماعی» را شکل داده‌اند. میدان وقتی تبلور و تجسد می‌یابد که دست کم دو معیار را برآورده سازد: نخست، بتواند خود را همچون مجموعه‌ای مستقل و تفکیک‌یافته اما همبسته از هستارهایی (Entities) که به واسطه هسته مشترکی از الزامات، ارزش‌ها، کارکردها، قواعد، مقولات و ویژگی‌ها به یکدیگر پیوسته‌اند متجلی سازد؛ و دوم، این میدان می‌بایست از سوی شبکه‌ای از میدان‌هایی که بورديو میدان قدرت می‌خواند شناخته و پذیرفته شود (Schirato, 2005:45).

از جنبه تحلیلی، میدان شبکه یا پیکربندی (Configuration) ای است از روابط عینی میان جایگاه‌ها (Positions). این جایگاه‌ها به شکل عینی در وجودشان تعریف می‌شوند و در تعییناتی که آنها به اشغال‌کنندگان (عاملان یا نهادها) به واسطه موقعیت فعلی یا احتمالی‌شان در ساختار توزیع فضاهای قدرت (یا سرمایه)، تحمیل می‌کنند؛ اشغال‌کنندگان این جایگاه‌ها هم منافع ویژه‌ای را که در میدان در خطر هستند، کنترل می‌کنند و هم روابط عینی‌شان (سلطه، انقیاد یا هومولوژی) را با سایر جایگاه‌ها (Bourdieu and Wacquant, 1992: 97). چنان‌که می‌دانیم دو مفهوم کلیدی دیگر در کار بورديو عبارت‌اند از سرمایه (Capital) و عادت‌واره (Habitus). چارچوب تحلیلی بورديو در جامعه‌شناسی ورزش نیز معمولاً در قالب همین مفاهیم شرح داده می‌شود (Tomlinson, 2004: 166-168). عاملان یا گروه‌ها با توجه به جایگاهشان در «فضای اجتماعی»، انواع سرمایه‌ها، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین را به کار می‌گیرند و بر همین اساس در این فضا توزیع می‌شوند. کتاب تمایز، بررسی تجربی چگونگی توزیع افراد و گروه‌ها در «فضای اجتماعی» و در «فضای سبک‌های زندگی» در فرانسه بر اساس حجم و ترکیب سرمایه اقتصادی و فرهنگی است. در این کتاب، بورديو گرایش‌ها، سلايق و انتخاب‌های ورزشی را پیوسته با سلايق دیگر، انتخاب لباس و غذا و آثار هنری و حتی ترجیحات سیاسی، به عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده به ذائقه و عامل ایجاد تمایز و تشخیص در پیوند با ساخت طبقاتی جامعه فرانسه تحلیل می‌کند. به این اعتبار است که او در پیشگفتاری بر نسخه انگلیسی تمایز از «تقسیم کار کودکان» ای که در نتیجه آن جامعه‌شناسی معرفت و جامعه‌شناسی فرهنگ از جامعه‌شناسی ورزش جدا می‌شود، انتقاد می‌کند (بورديو، ۱۳۸۶: ۱۹).

استفاده ما از مفاهیم و نظریه‌های بورديو در این مقاله صرفاً در قالب مفاهیم الهام‌بخش و حساسیت‌آفرین، و چه بسا

دلخواهانه خواهد بود. مهم‌ترین ایده‌ای که از بوردیو برگرفته‌ایم تحلیل نسبت میان میدانِ مورد بررسی (در اینجا مشخصاً فوتبال) با میدان قدرت است (Bourdieu and Wacquant, 1992: 104). اشاره به این نکته ضروری است که از دید محققانی مانند هوشنگ شهابی، فوتبال ایران در انتهای دوره پهلوی تاحدزیادی به میدان به معنای بوردیویی آن بدل شده بود. بنابراین تلقی فوتبال به مثابه یک میدان اجتماعی دستکم به عنوان نقطه شروع تحقیق موجه است. مطمئناً نگرستن به فوتبال به مثابه دریچه‌ای برای فهم آنچه در جامعه و فرهنگ ایران گذشته است به چیزی بیش از نظریه بوردیو و حتی سایر نظریه پردازانی که بر مطالعات اجتماعی ورزش تاثیر عمیقی نهاده‌اند - مثلاً نوربرت الیاس - محتاج است. در این پژوهش خواهیم کوشید در فرایند انجام پروژه و در چارچوب نوعی دیالکتیک میان میدان انضمامی تحقیق با مفاهیم انتزاعی، چارچوب تحلیلی پژوهش تکمیل و تنقیح شود.

در صورت نیاز، ادامه بحث ضمیمه شود.

۵. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آنها:

سیاست فرهنگی: در این پژوهش، سیاست فرهنگی در کلی‌ترین برداشت به اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که نهادهای مسئول در پی تحقق آن در جامعه برآمده‌اند.

میدان اجتماعی: مجموعه‌ای مستقل و تفکیک یافته اما همبسته از هستارهایی که به واسطه هسته مشترکی از الزامات، ارزش‌ها، کارکردها، قواعد، مقولات و ویژگی‌ها به یکدیگر پیوسته‌اند.

نولیبرالیسم: عموماً به وضعیت اقتصادی / اجتماعی پس از دهه ۱۹۸۰ اطلاق می‌شود که در برخی روایت‌ها خصیصه اصلی آن بازارسپاری حوزه‌های روزافزونی از حیات اجتماعی است. از دید محققان، نولیبرالیسم با تفوق سرمایه مالی بر صنعتی و برآمدن گفتمانی خاص متشکل از مفاهیمی مانند خصوصی‌سازی، کارآفرینی، تخریب خلاق، توانمندسازی، رقابت و... همراه است.

۶. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح):

میدان اجتماعی، صنعت فرهنگ، کلیت اجتماعی، نولیبرالیسم.

۷. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی):

فوتبال و تغییر فرهنگی، ایران، دهه ۶۰ و ۷۰ و تاحدی ۸۰

۸. روش شناسی پژوهش:

۹-۱. روش تحقیق:

☐ کیفی *

☐ کمی

☐ تحلیلی *

☐ توصیفی *

توضیح:

این پژوهش در مرحله جمع‌آوری داده از مجموعه‌ای از روش‌های کیفی استفاده می‌کند که اصلی‌ترین آن روش اسنادی است. در مطالعه دهه ۶۰ آرشیو نشریات به ویژه دو نشریه تقریباً انحصاری حوزه ورزش یعنی کیهان ورزشی و دنیای ورزش منابع اصلی‌اند که ما نیز به این دو و به‌ویژه کیهان ورزشی رجوع خواهیم کرد. گرچه به اسناد دیگر مثلاً صفحه ورزشی و زمانه‌هایی مانند اطلاعات و کیهان هم رجوع می‌کنیم. در دهه‌های بعدی، منابع متنوع‌تری مانند وبسایت‌های اینترنتی هم به این منابع افزوده می‌شوند. از نیمه دهه هفتاد به بعد، تنوع مطبوعات و خبرهای مرتبط با فوتبال به حدیست که معیار گزینش داده‌ها و اسناد، ضرورت‌های تحلیلی و به ویژه مفاهیم و مقولات اصلی مد نظر برای تحلیل «میدان فوتبال» خواهد بود. هر جا که با خلاء داده یا ابهام و تناقض احتمالی در یافته‌ها مواجه شویم با «مطلعان کلیدی»- مدیران ورزشی، روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران حوزه ورزش - مصاحبه می‌کنیم.

تحلیل یافته‌ها هرچند بر اساس روش‌های مرسوم مانند مرور سیستماتیک و متاتنوگرافی انجام خواهد شد، اما مهم‌تر از آن تاحدی از منطق تحلیل میدان Field Analysis به معنای بوردیویی بهره می‌جوید (برای تفسیرهایی از آن نک به: Albright, 2018 و Savage & Silva, 2013). در این پژوهش الگوی تحلیل زیر به عنوان الگویی اولیه مد نظر خواهد بود:

تحلیلی از تحولات فرهنگی - اجتماعی در هر دوره؛

تحلیلی از ویژگی‌های میدان فوتبال و ضرباهنگ درونی و مناسبات اصلی حاکم بر میدان و نسبت آن با میدان قدرت؛
سنجش نسبت میان دینامیسم میدان فوتبال با تحولات اقتصادی / اجتماعی / فرهنگی کلان جامعه و سیاست‌های فرهنگی کلان؛

تعیین دلالت‌های فرهنگی / اجتماعی فوتبال در جامعه ایران

این منطق کلی تحقیق در فهم تغییر اجتماعی مرتبط با فوتبال است، اما از آنجا که این پژوهش جنبه اکتشافی دارد، چارچوب تحلیلی در جریان پژوهش تدوین خواهد شد. چنانکه گفته شد نوعی نسبت دیالکتیکی میان امر انضمامی و امر کلی، منطق فهم تغییر اجتماعی است.

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات:

☐ پرسشنامه

☐ مصاحبه *

☐ مشاهده

☐ کتابخانه‌ای *

☐ سایر

لطفاً ذکر شود.

۳-۹. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی):

۴-۹. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی):

۵-۹. جامعه آماری: (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)

چنانکه گفته شد، مهم‌ترین اسناد مد نظر این تحقیق، آرشیو رسانه‌ها (عمدتاً اما نه منحصرراً رسانه‌های ورزشی) و آماج تحقیق مستندات، شواهد، آمار و ارقام مرتبط با فوتبال (از داده‌های اقتصادی تا تعداد تماشاگران و شعارهای متداول در استادیوم‌ها و جز آن) است.

☐ انجام می‌گیرد

☐ انجام نمی‌گیرد

☐ تمام شماری می‌شود

۶-۹. نمونه‌گیری: هدفمند است و از منطق «تکمیل روایت تحقیق» تبعیت می‌کند.

۹. سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی):

فصل اول: کلیات

فصل دوم: چارچوب مفهومی: فوتبال چگونه می‌تواند فرهنگ و جامعه را توضیح دهد؟

فصل سوم: فوتبال در ایران پس از انقلاب: ویژگی‌های میدان در حال دگرگونی

فصل چهارم: تحلیل یافته‌ها: فوتبال، تغییر اجتماعی و سیاست فرهنگی در ایران

فصل پنجم: سخن آخر

البته گذشته از آنکه فصل‌بندی گزارش پروژه بنا به اقتضای متن نهایی ممکن است تغییر کند، بر اساس پیشنهاد اعضای

محترم شورای علمی پژوهش‌شده ممکن است گزارش نهایی بر اساس مقولات اصلی که صرفاً پس از اتمام کار به‌نحو

دقیق مشخص می‌شوند فصل‌بندی و تنظیم شود.

۱۰. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: ۱۲۰ تا ۱۵۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای

۱۱. نتایج قابل انتظار از طرح:

۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع ☐

۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی* ☐

۳. تهیه سند راهبردی ☐

۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد ☐

۵. تدوین طرح جامع ☐

۶. سایر موارد ذکر شود: مشارکت در تدوین چارچوبی برای

فهم سیاست فرهنگی در ایران از منظر تغییر اجتماعی

۱۲. مهم‌ترین منابع و مآخذ فارسی و خارجی:

بورديو، پي‌ير (۱۳۸۰). *نظريه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.

بورديو، پي‌ير (۱۳۸۱). «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدرضا فرازنده، *نشریه ارغنون*، ش

۲۰: ۲۲۷-۲۴۵.

بورديو، پي‌ير (۱۳۸۶). *تمايز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث

Bourdieu, P; and L. Wacquant (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Chicago: University of Chicago Press

Bourdieu, P (1993). *Sociology in Question*, London: Sage.

Bourdieu, P. (1998). "The State, Economics and Sport", *Culture, Sport, Society*, Vol. 1, No. 2: 15-21.

Bourdieu, P (2005). *The Social Structure of the Economy*, Cambridge: Polity Press.

Brooks, O (2019) *Football, Fandom and Consumption*, London: Routledge.

Chehabi, H.E. (2002). "A Political History of Football in Iran", *Iranian Studies*, Vol. 35, No. 4: 371-402

Chehabi, H.E. (2006). "The Politics of Football in Iran", *Soccer and Society*, Vol. 7, No. 2-3: 233-261.

Close, D(2019) *Cairo's Ultras_ Resistance and Revolution in Egypt's Football Culture-* The American University in Cairo Press

Foer, F(2004) *How Soccer Explains the World: An Unlikely Theory of Globalization*.

Fozooni, B. (2005). "Religion, Politics and Class: Conflict and Contestation in the Development of Football in Iran", *Soccer and Society*, Vol. 5, No. 3: 356-370.

Fozooni, B. (2007). "Iranian Women and Football", *Cultural Studies*, Vol. 22, No. 1: 1141-33.

Giulianotti, R. (2005). *Sport: A Critical Sociology*, Cambridge: Polity Press.

Giulianotti, R. (1999) *Football: A Sociology of the Global Game* (London: Polity Press).

Garland, J., Malcolm, D. and Rowe, M. (2000) *The Future of Football* (London: Frank Cass

hristian Koller and Fabian Brändle, *Goal!, A Cultural and Social History of Modern Football*, 2004. The Catholic University of America Press.

Hodge,A(2019)*Fan activism, protest and politics: ultras in post-socialist Croatia*, London: Routledge

Schirato, T. (2005). *Understanding Sports Culture*, London: SAGE Publications.

Tom Gibbons,2015, *English National Identity and Football Fan Culture*,

RONNIE CLOSE, *cairo's ultras resistance and revolution in egypt's football culture*,2019 The American University in Cairo Press.

Tomlinson, A. (2004). "Pierre Bourdieu and the Sociological Study of Sport: Habitus, Capital and Field", in Giulianotti, R. (ed.) *Sport and Modern Social Theorists*, Palgrave Macmillan.

۱۳. هزینه‌های پرسنلی* :

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح و نوع همکاری	سطح تحصیلات	رشته تخصصی	ساعات کار در ماه	مدت همکاری	مبلغ پرداختی در ماه	هزینه
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
	جمع هزینه							

*براساس ضوابط آئین‌نامه‌های پژوهشی

۱۴. سایر هزینه‌ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...):

ردیف	شرح	هزینه	ردیف	شرح	هزینه
۱		۵			
۲		۶			
۳		۷			
۴		۸			
	مبلغ کل هزینه‌های اجرای طرح				

۱۵. مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات :

ردیف	عنوان مرحله	پیش‌بینی زمان و درصد پیشرفت کار		شرح خدمات	نحوه ارائه گزارش
		درصد پیشرفت کار	زمان لازم (روز)		
۱	صفر	۰	۰		بدون ارائه گزارش
۲	شرح خدمات گزارش مرحله اول طبق نظر مجری (۵۰ درصد از تحقیق)			ارائه گزارش مرحله اول	۳۰
۳	نهایی	۱۰۰		ارائه گزارش نهایی	۵۰

* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.